

پیام جمعی از دانشگاهیان و فعالان سیاسی و مطبوعاتی ایرانی به روشنفکران آمریکا

به مناسبت سومین سالگرد فاجعه ۱۱ سپتامبر

به نام خدا

با سلام و درود،

بنیانگذاران «ایالات متحده آمریکا» در پی تحقق یک جامعه آزاد و آباد آن کشور را ایجاد کردند و آغاز آشنایی مردم ایران نیز با آمریکا براساس این رویای جذاب بود. این درک تاریخی از شکل‌گیری آمریکا را رئیس‌جمهور ما در مصاحبه با خبرنگار سی.ان.ان. همراه با پیام صلح و دوستی "ملت شریف ایران" به "ملت بزرگوار آمریکا" منعکس کرد. آقای خاتمی در آن شب از مهاجرت مسیحیان مؤمن و تلاش زحمتکشان و آزادی‌خواهان بنیانگذار آن کشور سخن گفت که "دوتوکویل" در کتاب معروف خود "دموکراسی در آمریکا" به تصویرشان کشیده بود. اما آن سرزمین رویایی امروز در چه وضعی است؟ آیا اینک درخواست لنگستون هیوز که: "بگذارید این آمریکا رویایی باشد که رویاپروران در رویای خویش داشته‌اند" می‌تواند جامه‌ی تحقق پیوشد؟ هنگامی که جنایت ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی (۲۰ شهریور ۱۳۸۰) به وقوع پیوست، ایرانیان با وجود آنکه خاطره تلخ کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) را در ذهن داشتند، در سوگ بی‌گناهی قتل عام شده در این فاجعه نشستند، اما آنچه به فاصله کوتاهی پس از آن نصیبمان شد، جایی در "محور شر" و در مجاورت عراق تحت سلطه صدام بود. در امتداد همین وضعیت، رسوایی وضعیت زندانیان در گوانتاناما و شکنجه در زندان ابوغریب در نقطه اوج روندی قرار می‌گیرد که از تئوری "محور شر" آغاز شده است و هنوز باید منتظر بود تا پیامدهای سنجیده و ناسنجیده خود را آشکار کند.

وقتی امروز از عینک حافظه تاریخی به ابوغریب می‌نگریم، سازمان اطلاعات و امنیت رژیم شاه (ساواک) را می‌بینیم با چند تکنیک اضافی نظیر استفاده از سگ و تیراندازی به اسرا از برج مراقبت و اشکال تازه‌ای از عملیات روانی - جنسی. آقای جرج بوش در واکنشی انفعالی و توجیه‌گرا گفت که آن وحشی‌گری‌ها طبیعت مردم آمریکا را باز نمی‌تاباند. این سخن درست است، اما وی فراموش کرد به آن پس زمینه فرهنگی خشونت اشاره کند که هواداران جنگ و میلیتاریزم در درون جامعه آمریکا تبلیغ می‌کنند.

ما در سایه این رخدادهای تلخ، اهمیت ابتکار عمل رییس‌جمهور ایران را در ارسال پیام صلح و دوستی به ملت آمریکا بهتر درک می‌کنیم. فراتر از آن، امروزه فهم تفاوت اساسی میان دو آمریکایی که او در مصاحبه تاریخی خود با سی.ان.ان. مطرح کرد، به یک ضرورت فوری تبدیل شده است. در واقع در همان جا که آقای جرج بوش، جنگ در منطقه خلیج فارس و در حقیقت در درون حوزه تمدنی ما را یک "ضرورت" جلوه می‌دهد، ما به ضرورت ملی و انسانی گفت‌وگو با نمایندگان آن آمریکای دیگر و متفاوت که سرزمین آزادگان خوانده می‌شد، بیشتر پی می‌بریم. ما در پاسخ به نظریه "یا با ما هستید یا با آنها"، گزینه سومی پیش رو می‌نهیم و صریحاً اعلام می‌کنیم که با

آزادیخواهان آمریکا از هر گرایش و گروه که جنگ را گزینه اصلی خود نمی‌دانند و پایان اشغال را مطالبه می‌کنند، اشتراک منافع (در مفهوم کلان ملی، منطقه‌ای و جهانی) داریم. در عین حال عمیقاً متأسفیم که چرا راهی را که رئیس‌جمهور ایران و همتای او در آمریکا آغازگر آن بودند، تا منتهای منطقی خود پیگیری نکردند و به فرجام نهایی نرساندند. در حقیقت گفت‌وگوی چند جانبه، نه فقط میان ایران و آمریکا، بلکه با دیگر کشورهای ذی‌نفع یا قدرتمند در امتداد طبیعی خود می‌توانست بسیاری از اشکال دولتی و غیردولتی تروریسم را به احاطه خود درآورد و مانع وقوع جنگ شود. بسیاری از جنایاتی که بعدها خیابان‌های استانبول و ریاض و بغداد و بسلان و جاکارتا و رفح و غزه را به خون شهروندان بیگناه آلوده ساخت اجتناب پذیر بود اگر سیاستی انسانی و همه‌جانبه در کاخ سفید و کاخ کرملین در امتداد همبستگی جهانی بلافاصله پس از حادثه ۱۱ سپتامبر تدوین می‌شد و تک‌جانبه‌گرایی فرصت‌های تاریخی را به هرز نمی‌برد. به بیان دیگر مردم جهان در حالی سومین سالگرد فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر را پشت سر گذاشتند که عملکرد غلط و غیرانسانی دولت آقای بوش همبستگی عموم ملت‌ها را در همان آغاز وقوع این جنایت دچار انشقاق کرده است.

از سوی دیگر امروزه، سدی از اقتدارگرایی، انحصار و تنگ‌نظری که در داخل ایران در برابر جنبش اصلاح‌طلبی برافراشته شده، تلفیقی نامیمون با ضخامت تیره و خشن گونی‌های کشیده بر سر قربانیان ابوغریب یافته است و این دو، تصویر ایران پس از دوم خرداد و آمریکای "رؤیایی" را به دور دست‌های قلمرو رؤیت ناظران تبعید کرده است. آمریکایی که نماینده آن با گشاده‌رویی پذیرای ایده گفت‌وگوی تمدنی در آغاز هزاره سوم میلادی شد و وزیر خارجه آن با پوزش‌طلبی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا آستانه‌ی برقراری یک ارتباط سیاسی و "برابر حقوق" با ایران پیش رفت، اکنون به آمریکایی بدل شده است که نوع دیگری از "تماس" با ساکنان حوزه تمدنی ما برقرار می‌کند؛ نه گفت‌وگوی دو سویه تمدنی که تک‌سخنی بازجویان؛ نه تماس اندیشه‌ها و افکار و نه بومی‌سازی دموکراسی خواهی روشنفکران ملی؛ که بومی‌سازی فنون شکنجه بر مبنای آموزه‌هایی که فرهنگ‌شناسی منطقه‌ای شکنجه‌گران از نقاط "آسیب‌پذیر" و "تحقیرپذیر" قربانیان مسلمان به دست دهد.

آنچه این روزها به وضوح مشاهده می‌کنیم، نوعی اسرائیلی شدن روز افزون سیاست خارجی آمریکاست. به عبارت دیگر، تعمیم تجربه سیاست بولدوررها و تانک‌ها و هلی‌کوپترهای رفح و غزه در فلوجه و نجف و کربلا پیش چشمان ماست. امروزه به جای کلاس‌های درس روزنامه‌نگاری و دموکراسی که در طرح خاورمیانه بزرگ وعده‌اش داده می‌شد، عملاً این نظامیان آمریکایی هستند که اصول "جنگ شهری" و مدیریت زندان‌ها را از همتایان اسرائیلی‌شان می‌آموزند یا از تجارب آنان در سرزمین اشغالی بهره می‌برند. در این میان همسویی کثیری از آزادیخواهان و روشنفکران و سیاستمداران و نمایندگان ملت آمریکا با وجدان زخم خورده جامعه جهانی مایه تسلی ماست. ما به عنوان شهروندان ملتی که پیش از جنایت هولناک ۱۱ سپتامبر، پرچم دموکراسی و جامعه مدنی را در منطقه برافراشته‌ایم، ضمن همدردی با بازماندگان قربانیان تروریسم در ایالات متحده، اعلام می‌کنیم آنچه ما را در رنج قربانیان جنگ و خشونت و شکنجه در عراق شریک می‌کند، خویشاوندی انسانی و اسلامی با برادران و خواهرانمان در کشور همسایه است. هر چند، به موازات آن، می‌توانیم بخشی از دردهایمان را با آزادی‌خواهان منتقد

و معترض آمریکایی تقسیم کنیم. ما نیز همچون آنان برای وطنمان رؤیای دموکراسی، حقوق بشر و جامعه مدنی داریم و از اینکه این آرمانها توسط مردمستیزان تهدید شود، رنج می‌بریم.

ما به عنوان شهروندان ملتی که عرصه روزنامه‌نگاری، یکی از مهمترین حوزه‌های تجلی اصلاح‌طلبی و دموکراسی‌خواهی آن بود، به روزنامه‌نگاران جسور آمریکایی که جنایت جنگی شکنجه‌گران را افشا کردند درود می‌فرستیم و خود را در کنار آنان قرار می‌دهیم. ما به عنوان حامیان مجلس اصلاحات، آن دسته از نمایندگان شجاع و آزادی‌خواه آمریکایی را که نظامیان را احضار و استیضاح کردند، تحسین می‌کنیم و از آنان می‌خواهیم در امتداد همین اقدام، عذرخواهی بنیادی‌تری به جرج بوش تحمیل کنند و او را به پوزش‌طلبی از بیان گفتمان "شیطان" در حق ملل "محور" وادار نمایند. ما به عنوان دانشگاهیان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، فرهنگیان و در یک کلام روشنفکران ایران و به استناد تجارب کشورمان تأکید می‌کنیم که فعلاً و تا اطلاع ثانوی این اقتدارگرایان عرصه سیاست در همه کشورهای منطقه، و از جمله در ایران هستند که از "برچیده شدن پروژه دموکراسی" در قالب آن مداخلات خشونت‌بار سود می‌برند و از آن به عنوان ابزاری در جهت سرکوب دموکراسی‌خواهی در داخل این کشورها بهره می‌جویند. شعار آقای بوش مبنی بر اینکه "یا با ما هستید، یا با بنیادگرایان و بن لادن"، در این سوی جهان، سخت به کمک اقتدارگرایان داخلی آمده‌است تا با معکوس‌سازی آن، انتخابات آزاد را مخدوش و نمایشی کنند و همه ابعاد و اضلاع گوناگون اصلاح‌طلبی و دموکراسی‌خواهی ملی را به وجهی سلبی - و در جهت مشارکت مردمی در برابر دشمن خارجی - تقلیل دهند. همچنان که در آستانه انتخابات و رد صلاحیتهای گسترده داوطلبان مجلس هفتم شاهد بودیم، اربع‌گري آمریکا فضای جامعه ما را تا حدودی قطبی کرد و نگرانی برحق در قبال خطر بالقوه یا بالفعل آمریکا، دامنه مانور اصلاح‌طلبان را محدود نمود. هر چند هوشیاری مردم ایران اجازه تحقق خوابهای آشفته اقتدارگراها را به آنان نخواهد داد. امروز در این سوی جهان آزادی‌ها و دستاوردهای جنبش اصلاح‌طلبی ملت ایران، توسط کسانی تهدید می‌شود که خوراک تبلیغاتی آنان تنگ‌نظری‌ها و سیاست‌های غلط رهبران کاخ سفید است. به همین علت، اعلام می‌کنیم. صرف‌نظر از هر معامله احتمالی علیه جنبش اصلاح‌طلبی ملت ایران و علیه حق تعیین سرنوشت عراقی‌ها و افغانی‌ها و فلسطینی‌ها، ارتباط، همبستگی و همکاری آزادیخواهان و عدالت‌طلبان در سرتاسر دنیا فضا را برای تروریست‌ها، جنگ‌طلبان و مستبدان منطقه و جهان تنگ و زمینه تحقق مردم‌سالاری و استقرار صلح را در منطقه حساس خاورمیانه مساعد خواهد کرد.

ما بر این باوریم که در این "جهان جهانی شده" که توسط تروریسم، جنگ و مداخله خشونت‌بار تهدید می‌شود، آزادی در تهران و واشنگتن و بغداد و کابل و ریاض و بیت المقدس یک کل به هم مرتبط است و تا زمانی که آزادی‌خواهان آمریکایی نتوانند "بقول لنگستون هیوز سرزمینشان آمریکا را بار دیگر بازپس ستانند"، سرزمین‌های ما نیز همواره در معرض تهدید باقی خواهند ماند. آزادیخواهان و صلح‌طلبان همه کشورها باید برای مقابله با این وضعیت چاره‌ای بیندیشند.

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۴

۲۱ شهریور ۱۳۸۳

آزادی محمد، آصفی حمید، آقاجری زهره، آملی مقدم ناصر، احراری حمید، احمدی محمدعلی، احمدی نعمت، ادب بهاءالدین، اربابی حسن، ارغنده پور کریم، اسلامی یدالله، اسماعیلی حمید، اشفاق مرتضی، اکبری محمدعلی، اکبرین محمدجواد، اکرمی علی، امینی اسدالله، انصاری راد حسین، ایازی محمدعلی، ایزدی مصطفی، بازرگان ابوالفضل، بازرگان عبدالعلی، بازرگان فرشته، بازرگان محمدنویس، بازرگانی کمال الدین، باستانی حسین، بختیارنژاد پروین، بدیع زادگان سیداکبر، برهانی رحمت الله، بسته نگار محمد، بنی اسدی محمدحسین، بهزادی محمد، بیطرف صفا، پایا حسین، پایا علی، پدرام مسعود، پورعزیزی سعید، پیران پرویز، پیش‌بین محمود، پیمان حبیب الله، پیمان مجید، تاجرنیا علی، تاج‌زاده سیدمصطفی، تاجیک عبدالرضا، تکفلی غلامحسین، تنها مصطفی، تهرانی رضا، توسلی غلامعباس، توسلی محمد، توسلی محمدرضا، توکلی خالد، تولایی مجید، جلالی زاده جلال، جلایی پور حمیدرضا، جمشیدی فریده، جوادی حصار محمدصادق، حاج کتابی علی، حجاریان سعید، حریری حسین، حقیقت‌جو فاطمه، حکمت علی، حکیمی ابوالفضل، حکیمی عبدالکریم، حکیمی مجید، خاتمی سیدمحمدرضا، خرم‌امیر، خسروی همایون، خلیلی اردکانی محمدحسین، خوش‌محمدی اسماعیل، دادخواه سیدمحمدعلی، دادفر محمد، دادمهر رسول، داسه حاصل، داودی مهاجر فریبا، درایتی مصطفی، دردکشان مصطفی، درودی سعید، درودیان محمدحسین، دوانی مصیب، رئیس طوسی رضا، ربانی محمدصادق، رجائیان محمدجواد، رجایی علیرضا، رسولی محمدصادق، رضائی احد، رضاخانی بهمن، رضوی فقیه سعید، رفیعی حسین، زاهد فیاض، زره ساز جمال، زمان حسین، زمانی محمدابراهیم، زندی نیا پرویز، زهدی محمدرضا، زیدآبادی احمد، ساریخانی علیرضا، ساعی احمد، سپهر مسعود، سجادی داریوش، سبحانی عزت الله، سبحانی فریدون، سحرخیز عیسی، سعدایی محمدعلی، سرچمی محمد، سلطانی عبدالفتاح، سلیمانی بهیار، سمتی هادی، سیدآبادی علی‌اصغر، سیف‌زاده سیدمحمد، سینایی وحید، شاکری ابراهیم، شانه‌چی محمد، شاه‌حسینی حسین، شریعتی سعید، شریف محمد، شکری کاظم، شمس‌الواعظین ماشاءالله، شیرزاد احمد، صدیقی نادر، صابر فیروزه، صالح جلالی رضا، صباغیان هاشم، صدر رضا، صدرحاج سیدجواد احمد، صلواتی فضل‌الله، صمیمی کیوان، ضرغامی علی‌اشرف، ضرغامی فریدون، طالقانی اعظم، طالقانی طاهره. طالقانی حسام، طالقانی نرگس، طاهری اکبر، طاهری محمد، طیرانی امیر، عبادی شیرین، عباس‌زادگان سیدجعفر، عسگری داود، عرب‌زاده حسن، عرب‌سرخی فیض‌الله، علیزاده نائینی علی، علوی تبار علی‌رضا، عمادی محمدجعفر، عمرانی محمود، غروی علی‌اصغر، غروی علیرضا، غفارزاده سعید، غفاری مسعود، غنی مهدی، فراهانی مجید، قابل احمد، قابل هادی، قلی‌زاده رحمان‌قلی، قیاسی حجت‌الله، قوچانی محمد، کارشناس مجید، کارگشا رحمان، کاظمیان مرتضی، کامبوزیا جعفر، کدیور محسن، کردپور خسرو، کردپور مسعود، کمیجانی فرج، کولایی الهه، کیانوش راد محمد، گلایی جعفر، گل‌افرا بیژن، گوارایی فاطمه، لدنی مسعود، لقمانیان حسین، مجاهد حسین، محقق محسن، محمدی اردهالی محمد، محمدی نرگس، مدنی سعید، مرتاضی لنگرودی مرضیه، مزروعی رجبعلی، مسکین مصطفی، مسموعی رضا، مصطفوی لیلا، مصطفوی مصطفی، مصلحی عباس، مظفر محمدجواد، معین فر علی اکبر، مفیدی بدرالسادات، مقدم مرتضی، ملتی فهیمه، منتظری احمد، منصوریان خسرو، مولایی یوسف، مومنی محمود، میرخانی امیر، میرزاده وحید، میرزایی الله کرم، میرشمس شهنشاهی ابوالفضل، نبوی سیداحمد، نراقی حسن، نعیم‌پور محمود، نکوروح محمود، نکوفر محمدتقی، نوحی سیدحمید، نوربخش منوچهر، نوری کسری، ولی بیک باقر، ولی بیک جلیل، واعظ عبایی مهدی، وریایی رسول، هاشمی ناصر، هدایتی سیدهاشم، هادیان ناصر، هادی‌زاده علی‌اصغر، هادی‌زاده یزدی هادی، هندی علیرضا، هوشمند احسان، یحیایی علی‌فرید، یزدی ابراهیم، یگانلی ناصر، یوسفیان رضا.